



Investigating the causes of lack of resilience of local communities against natural disasters (case study: Kermanshah province earthquake)

Somayeh shahbazi ^{a*}, Abdolhamid Papzan ^b, Mosayeb Gholami ^c

^a PhD Student in Agricultural Education and Extension, Razi University, Kermanshah, Iran

^b Associate professor in Agricultural Education and Extension, Razi University, Kermanshah, Iran

^c PhD in Agricultural Extension and Education, Razi University, Kermanshah, Iran

Received: 21 February 2021

Revise: 1 May 2021

Accepted: 26 May 2021

Abstract

The earthquake in Kermanshah province, which occurred on November 12, 2017, had unfortunate consequences, and this was due to the lack of preparation and planning necessary to face with such event. Therefore, non-resilience to earthquakes is the main subject of this study, which was conducted in a qualitative approach and based on Grounded Theory. The study population was the key informants of Ghale Shahin village of Sarpol-e-Zahab city (15 people) who were selected purposefully according to the nature of qualitative research. Data were collected using semi-structured individual interviews, focus groups, direct observation, and field notes. For the validity and reliability of the research, the validity of the findings was obtained by using multiple methods in data collection in qualitative research. The results showed that factors such as lack of social capital (33 repetitions), poor economic situation (31 repetitions), lack of awareness about earthquakes (9 repetitions), loss of life and property (16 repetitions), mental health problems (44 repetitions), disputes Ethnic and tribal (40 repetitions), and lack of access to equipment and facilities (18 repetitions) have caused the earthquake victims to have consequences such as family problems, health problems, acute psychological problems, loss of work motivation culture. Therefore, in this regard, it is suggested that the authorities should use psychologists to create a sense of intimacy and empathy to be able to increase brotherhood and solidarity among earthquake victims and strengthen social capital.

Keywords: Resilience, Earthquake, Local Communities, Natural Disasters, Kermanshah Province.

*. Corresponding author: Somayeh shahbazi E-mail: somayeh.shahbazi22@gmail.com Tel: + 989186824336

How to cite this Article: Shahbazi, S., Papzan, A., Gholami, M. (2021). Investigating the causes of lack of resilience of local communities against natural disasters (case study: Kermanshah province earthquake). *Journal of Geography and Environmental Hazards*, 10(3), 163-179.

doi: 10.22067/geoeh.2021.68474.1014



Journal of Geography and Environmental Hazards are fully compliant with open access mandates, by publishing its articles under Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

Geography and Environmental Hazards

Volume 10, Issue 3 - Number 39, Fall 2021

<https://geoeh.um.ac.ir>

doi: <https://dx.doi.org/10.22067/geoeh.2021.68474.1014>

جغرافیا و مخاطرات محیطی، سال دهم، شماره سی و نهم، پاییز ۱۴۰۰، صص ۱۷۹-۱۶۳

مقاله پژوهشی

بررسی علل عدم تاب‌آوری جوامع محلی در مقابله با بلایای طبیعی (مورد مطالعه: زلزله استان کرمانشاه)

سمیه شهبازی^۱ - دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
عبدالحمید پاپ‌زن - دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
مصیب غلامی - دانش‌آموخته دکتری ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۳ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۲/۱۱ تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۳/۵

چکیده

زلزله استان کرمانشاه که در تاریخ ۲۱ آبان ماه ۱۳۹۶ اتفاق افتاد پیامدهای ناگواری به دنبال داشت و این امر به عدم آمادگی و برنامه‌ریزی لازم برای مقابله با چنین حادثه‌ای برمی‌گردد؛ بنابراین عدم تاب‌آوری در مقابل زلزله، موضوع اصلی این پژوهش است که در قالب رویکرد کیفی و به روش تئوری بنیانی انجام شد. جامعه مورد مطالعه، مطلعان کلیدی دهستان قلعه شاهین از توابع شهرستان سرپل ذهاب بودند (۱۵ نفر) که مطابق طبیعت تحقیق کیفی، به شیوه هدفمند انتخاب شد. جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از تکنیک مصاحبه نیمه ساختاریافته انفرادی، گروه‌های متمرکز، مشاهده مستقیم و یادداشت‌های میدانی صورت گرفت. جهت اعتبار و اطمینان پژوهش نیز با به‌کارگیری روش‌های چندگانه در جمع‌آوری داده‌ها در پژوهش کیفی، اعتبار یافته‌ها حاصل گردید. نتایج نشان داد عواملی از قبیل؛ کمبود سرمایه اجتماعی (۳۳ بار تکرار)، وضعیت نامناسب اقتصادی (۳۱ بار تکرار)، عدم آگاهی در خصوص زلزله (۹ بار تکرار)، خسارت جانی و مالی (۱۶ بار تکرار)، مشکلات روحی و روانی (۴۴ بار تکرار)، اختلافات قومی و قبیله‌ای (۴۰ بار تکرار) و عدم دسترسی به تجهیزات و امکانات (۱۸ بار تکرار) موجب گردیده که زلزله‌زدگان

Email: somayeh.shahbazi22@gmail.com

۱ نویسنده مسئول: ۰۹۱۸۶۸۲۴۳۳۶

نحوه ارجاع به این مقاله:

شهبازی، سمیه، پاپ‌زن، عبدالحمید، غلامی، مصیب. (۱۴۰۰). بررسی علل عدم تاب‌آوری جوامع محلی در مقابله با بلایای طبیعی (مورد مطالعه: زلزله استان کرمانشاه). جغرافیا و مخاطرات محیطی، ۱۰(۳)، صص ۱۷۹-۱۶۳.

<https://dx.doi.org/10.22067/geoeh.2021.68474.1014>

پیامدهایی از قبیل، مشکلات خانوادگی، مشکلات بهداشتی، مشکلات حاد روانی، از بین رفتن فرهنگ انگیزه کار، از بین رفتن حریم شخصی و خصوصی افراد و خشونت علیه زنان و کودکان را متحمل شوند؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود که مسئولین با به‌کارگیری روانشناسان و ایجاد حس صمیمیت و همدلی، می‌توانند برادری و همبستگی را در بین زلزله‌زدگان بالا برده و سرمایه اجتماعی را تقویت نمایند.

کلیدواژه‌ها: تاب‌آوری، زلزله، جوامع محلی، بلایای طبیعی، استان کرمانشاه.

۱- مقدمه

ایران در کمربند زلزله‌خیز آلپ-همیالیا قرار دارد و به‌عنوان یکی از بخش‌های جوان و در حال کوه‌زایی، جزء کشورهای زلزله‌خیز محسوب می‌شود و به‌وسیله فعالیت‌های لرزه‌ای پراکنده، زلزله‌های بسیار بزرگ با دوره بازگشت طولانی و شکاف‌های بزرگ لرزه‌ای در امتداد گسل‌های متعدد کواترنری مشخص می‌شود (محمدی احمدیانی و همکاران، ۱۳۸۹). مناطق روستایی نیز از جمله مناطقی هستند که با توجه به بافت روستایی همواره در معرض تهدید جدی بلایای طبیعی قرار داشته است. این مناطق بیشترین آسیب‌پذیری را در برابر سوانح زلزله دارند و هر سال شاهد وقوع زلزله‌های زیادی در سراسر روستاهای کشورهای جهان هستیم (رومیانی و همکاران، ۱۳۹۳). مناطق روستایی به دلیل آسیب‌پذیری، شکنندگی اقتصاد روستایی، نبود زیرساخت‌های فیزیکی و اجتماعی مناسب، فرسودگی شدید کالبدی، عرض کم معابر روستا و نداشتن دسترسی مناسب به راه‌های ارتباطی، فقدان و کمبود تأسیسات زیربنایی مناسب، زیاد بودن میزان فقر و محرومیت، استفاده از سازه‌های نامناسب و مصالح کم‌دوام، زیاد بودن میزان آسیب‌پذیری، رشد زیاد مهاجرت و کاهش شدید جمعیت روستایی، ارزش کم زمین و کم‌بها بودن آن، استحکام نداشتن مساکن روستایی و رعایت نکردن اسلوب و استانداردهای فنی ساخت‌وساز در این مناطق، عملاً با خسارات زیادی مواجه می‌شوند (همان)؛ بنابراین روستاها، در برابر سوانح و مخاطرات طبیعی آسیب‌پذیری زیادی دارند و هر سال حوادث طبیعی، خسارات بسیاری را بر روستاها و اقتصاد کشور تحمیل می‌کند (رضوانی، ۱۳۸۳). به همین دلیل مدیریت بحران از مهم‌ترین اولویت‌های کشور به‌ویژه در روستاها می‌باشد.

امروزه، خسارات فراوان مخاطرات طبیعی و انسانی به محیط و کالبد شهرها باعث شده است که مفهوم تاب‌آوری^۱ به‌منظور کاهش آثار سوانح، به حوزه‌ای مهم در عرصه مدیریت بحران تبدیل شود (رضایی و همکاران، ۱۳۹۴). جستجوی راهکاری برای افزایش سطح تاب‌آوری و انعطاف‌پذیری روستاییان در برابر مخاطرات محیطی و قدرت برگشت‌پذیری سریع به همراه افزایش سطح ماندگاری جمعیت روستایی یکی از نکات مهم موردتوجه در شرایط کنونی برنامه‌ریزی روستایی ایران است.

تجارب حاصل از بحران‌های گذشته نشان می‌دهد که انجام عملیات واکنش اضطراری مقابله با بحران، به‌تنهایی از عهده دولت‌ها خارج بوده و برای انجام عملیات موفق امداد و نجات و کاهش خسارات و تلفات توسط نهادهای مسئول، مشارکت فردی و گروه‌های الزامی و در خروج موفق از بحران بسیار مؤثر است (رفعیان و مطهری، ۱۳۹۱). ضرورت توجه به این موضوع باعث شکل‌گیری و تقویت رویکردهای اجتماع‌محوری در مدیریت بحران و بلایای طبیعی و غیرطبیعی شده است. شیوه‌های مدیریت بحران اجتماع‌محور، نقایص مدیریت از بالا به پایین در طرح‌های توسعه و مدیریت بحران را که با شکست روبه‌رو می‌شوند و عدم استفاده از منابع و ظرفیت‌های بالقوه محلی که ممکن است آسیب‌پذیری افراد را افزایش دهند، اصلاح کرده و با نوعی نگاه یکپارچه همکاری میان بخش سازمان‌های دولتی مسئول در زمینه برنامه‌ریزی کاربری اراضی، برنامه‌ریزی توسعه، برنامه‌ریزی زیست‌محیطی و کشاورزی و همچنین آموزش را برای مدیریت بحران همسو می‌کند. اساس این رویکرد تمرکززدایی از راهبردهای برنامه‌ریزی در زمینه خطرپذیری بحران است که منجر به توانمندی جوامع شده و پنجره‌ای به سمت مشارکت محلی می‌گشاید (همان). در این بین تاب‌آوری؛ به‌منزله ارتقاء توانایی جامعه، برنامه‌ریزی و آمادگی برای جذب و بهبود و موفقیت بیشتر برای مقابله با اثرات ناخواسته بعد از سوانح و ترمیم و بهبود جامعه سانحه دیده از لحاظ اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و کالبدی است (مانینا و همکاران^۱، ۲۰۱۱).

با توجه به اینکه مدیریت سوانح طبیعی بعد از رخداد سانحه در ایران در شرایط مطلوبی قرار نداشته و پس از وقوع این چنین حوادثی همچون زلزله شهرهای بم و رودبار آسیب‌های زیاد به مردم این‌گونه جوامع وارد شده و بدین دلیل که معمولاً افراد سانحه دیده قادر نیستند به‌آسانی به شرایط متعادل بازگردند و یا اینکه شرایط خود را به‌گونه‌ای جدید تغییر داده و بتوانند به سازگاری موفق دست یابند (کمائی فرد و همکاران^۲، ۲۰۱۲). تبیین مفهومی تاب‌آوری در ایران ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا نتایج آن می‌تواند در تدوین قوانین و مقررات مربوط به حوزه مدیریت سوانح طبیعی، آسیب‌پذیری، سیاست‌های تقلیل خطر بحران و افزایش تاب‌آوری و همچنین جهت تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های مجریان امر در شهرهای کشور در خصوص مدیریت سوانح طبیعی استفاده شود (رضایی و همکاران، ۱۳۹۴).

مفهوم تاب‌آوری ریشه در علم فیزیک و ریاضی دارد و برای توصیف توانایی یک ماده یا سیستم برای بازگشت به حالت تعادل پس از جابجایی یا حرکت به کار می‌رود. این مفهوم در سال ۱۹۷۳ توسط هالینگ که از وی به‌عنوان پدر تاب‌آوری یاد می‌شود به‌عنوان یک اصطلاح توصیفی در اکولوژی معرفی شد و بعد از آن به‌طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفته و بر زمینه‌های مختلف علمی مانند مدیریت بلایا، روانشناسی و اکولوژی تأثیر گذاشته است.

1 Manyena et al

2 Kamani-fard et al

تایمرمان^۱ (۱۹۸۱) نخستین فردی بود که مفهوم تاب‌آوری را در حوزه بلایا و مخاطرات مطرح کرد (سلمانی مقدم و همکاران، ۱۳۹۳). به‌طور خاص برای اولین بار هاریجمن و همکاران^۲ در سال ۲۰۰۷ مفهوم تاب‌آوری روستایی را مطرح کردند. ایده مذکور بر این پایه که سیستم‌های اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی روستایی به طرز فزاینده‌ای پیچیده بوده و در ارتباط متقابل با یکدیگر، این سیستم‌ها به‌طور دائم در حال شدت و افزایش مقیاس می‌باشند، بیان شده است (اسکوتن و همکاران^۳، ۲۰۰۹).

اخیراً محققان سه ظرفیت برای تاب‌آوری تعریف کرده‌اند: مقاومت، سازگاری و تغییرپذیری. مقاومت یا ظرفیت غلبه، مربوط به توانایی سیستم‌های تاب‌آور برای غلبه بر شوک‌ها و بازگشت به شرایط مناسب در مراحل پس از واقعه است. ظرفیت سازگاری مربوط به اقداماتی است که افراد یا جامعه از به‌کارگیری تجارب گذشته برای کاهش اثرات پیش‌بینی شده شوک‌ها، انجام می‌دهند. توانایی‌ها و مهارت‌های لازم برای سازگاری، با منابع و توانایی‌های لازم برای مقابله متفاوت می‌باشند. تغییرپذیری نیز مربوط به توانایی‌های افراد برای تغییر ساختارها و سیستم‌های وسیع‌تر می‌باشد. البته باید به نقش مهمی که سرمایه اجتماعی در ساختن، حفظ و تقویت این سه ظرفیت ایفا می‌کند، توجه داشت (برنیر و ماینزن^۴، ۲۰۱۴).

کولبورن و سعارا^۵ در تعریف تاب‌آوری اجتماعی، آن را به‌بخش قابل تغییر سیستم‌های اجتماعی مانند تطبیق‌پذیری و تغییرپذیری مربوط دانسته و دو شاخصه برای آن تعیین نموده است: سرمایه اجتماعی و ظرفیت تطبیق‌پذیری (کولبورن و سعارا، ۲۰۱۱). سرمایه اجتماعی مربوط به سهمی است که اعتماد، هنجارها و شبکه اجتماعی می‌توانند در حل مشکلات رایج جامعه داشته باشند (دبرتین و همکاران^۶، ۲۰۱۳). به‌طوری‌که روابط اجتماعی قوی بین افراد جامعه روستایی، سبب کاهش زمان بازتوانی و وجود شبکه‌های اجتماعی قوی، جریان اطلاعات و منابع مالی را که برای بازتوانی و بازسازی پس از سانحه حیاتی هستند، تسهیل می‌کنند (کاپوچو نایم و همکاران^۷، ۲۰۱۳). ظرفیت تطبیق‌پذیری نیز مربوط به توانایی نهادها و شبکه در یادگیری و تجربه‌ها، انعطاف در تصمیم و حل مشکلات می‌باشد (کولبورن و سعارا، ۲۰۱۱).

تاب‌آوری اجتماعی شامل شرایطی است که تحت آن افراد و گروه‌های اجتماعی با تغییرات محیطی انطباق می‌یابند. به‌طور کلی قابلیت تاب‌آوری اجتماعی، توان یک اجتماع برای برگشت به تعادل یا پاسخ مثبت به مصیبت‌ها است. لیکن

1 Timmerman

2 Harrijman et al

3 Schouten et al

4 Bernier and Meinzen

5 Colburn and Seara

6 Debertin et al

7 Kapucu Naim et al

همه تعاریف موجود در مورد تاب‌آوری اجتماعی به ظرفیت‌های افراد، سازمان‌ها و یا جوامع برای تحمل کردن، جذب کردن، تطبیق و تبدیل در برابر تهدیدات اجتماعی از هر نوع، توجه دارند (کچ و ساکداپولراک^۱، ۲۰۱۳).

سینر و همکاران^۲ (۲۰۰۹) در پژوهشی چهار عنصر میزان دارایی، انعطاف‌پذیری، ظرفیت برای خودسازماندهی و ظرفیت یادگیری یک جامعه را به‌عنوان اجزا کلیدی تاب‌آوری اجتماعی معرفی می‌کنند و معتقدند تاب‌آوری اجتماعی در سه مقیاس محلی، منطقه‌ای و ملی قابل بررسی است، درحالی‌که این سه سطح به یکدیگر مرتبط‌اند.

مدل تاب‌آوری اجتماعی که توسط کارلا رادلوف تهیه شده دارای چهار بعد است. فرایند تاب‌آوری جامعه، درک کاملی از جامعه را به دست می‌دهد. این مدل شامل فرایند تهیه تصویری از تاب‌آوری جامعه، استفاده از این تصویر جهت تعیین اولویت‌های جامعه و انتخاب ابزار و راهبردهای مناسب است که عبارت‌اند از:

۱. مردم: رفتارها، نگرش‌ها، باور مردم محلی نسبت به رهبری، تحصیل، خوداتکایی، همکاری، حضور و غیره؛

۲. سازمان‌ها: محتوا و ماهیت و سطح همکاری درون سازمان‌ها و گروه‌های محلی؛

۳. منابع: منابع محلی و سطحی از منابع بیرونی؛

۴. فرایند جامعه: ماهیت و حدود برنامه‌ریزی اقتصادی جامعه و مشارکت (رادلوف^۳، ۲۰۰۴).

زرنگار و رحیمی (۱۳۸۸) با انجام تحقیقی با عنوان «ارزیابی مشارکتی مدیریت فاجعه در روستاهای زلزله زده بم مطالعه موردی: روستای درب باغ» به این نتیجه رسیدند که مدیریت با مشارکت نهادها و کمک‌های مردمی تا حدودی توانسته است به هنگام زلزله در منطقه مورد مطالعه، مفید واقع شود و زمینه اعتماد مردم را فراهم کند.

در پژوهشی که فلاحی و شهبازی در سال ۱۳۹۰ راجع به نقش تشکل‌های جامعه‌محور در برنامه مقابله و بازسازی انجام داده‌اند به شاخص‌هایی همچون وضعیت تملک، مدت‌زمان سکونت، عضویت در تشکل‌ها، تمایل به همکاری و حمایت مالی برنامه‌ها، اعتماد همسایگان و مشارکت آن‌ها در برگزاری مراسم به‌عنوان شاخص‌های مؤثر توجه شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که حس تعلق به مکان، همکاری و اعتماد بین همسایگان، تمایل به همفکری و آموزش در بهبود و کارایی این رویکرد مؤثر واقع خواهند شد (فلاحی و شهبازی، ۱۳۹۰).

نتایج تحقیق رومیانی و همکاران (۱۳۹۳) با عنوان «بررسی نقش مدیریت در توسعه جوامع روستایی برای مقابله با مخاطرات زلزله در دهستان زاغه شهرستان خرم‌آباد» نشان داد از دیدگاه مسئولان روستایی، ضعف در ظرفیت‌ها و توانمندی‌های اقتصادی و به تبع آن، پایین بودن درآمد روستاییان منطقه مورد مطالعه، منجر به کاهش توانایی‌های آن‌ها برای مقاوم‌سازی مسکن در زیستگاه‌های خود شده است؛ به‌طوری‌که این امر در کنار فقدان ایفای نقش مناسب نظارتی

1 Keck & Sakdapolrak

2 Cinner et al

3 Radloff

و ضعف در سیستم اجتماعی - نهادی موجود و حاکمیت ساختارهای فیزیکی فرسوده، استفاده از مصالح کم دوام محلی، کم توجهی به ضوابط فنی و... منجر به آسیب پذیری نسبی بیشتری در منطقه مورد مطالعه شده است.

مقاله نوری و سپهوند (۱۳۹۵) با عنوان "تحلیل تاب آوری سکونتگاه‌های روستایی در برابر مخاطرات طبیعی با تأکید بر زلزله (مورد مطالعه: دهستان شیروان شهرستان بروجرد) نشان از آن دارد که وضعیت تاب آوری روستاهای مطالعه شده در برابر زلزله پایین تر از سطح متوسط قرار دارد و تفاوت معناداری در بین روستاها وجود دارد. نتایج نشان داد که در بین ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیرساختی و سرمایه اجتماعی نواحی روستایی بعد سرمایه اجتماعی سهم و تأثیر بیشتری در میزان تاب آوری سکونتگاه‌های روستایی ایفا می‌کند.

مطالعه پرتویی و همکاران (۱۳۹۵) با عنوان طراحی شهری و تاب آوری اجتماعی بررسی موردی: محله جلفا اصفهان نشان می‌دهد که توجه به مؤلفه‌هایی چون ارتقای کیفی محیط، هویت، انعطاف پذیری، همه شمولی، فضاهای آموزش دهنده و تعاملات اجتماعی در طراحی محلات، سبب ارتقای تاب آوری اجتماعی می‌گردد.

نتایج تحقیق برقی و همکاران (۱۳۹۵) با عنوان "سنجش تاب آوری محیطی روستاهای در معرض خطر زلزله مطالعه موردی: دهستان معجزات در شهرستان زنجان" نشان می‌دهد که تاب آوری اجتماعی روستاها در سطح مطلوب است و افراد بی سواد دارای میانگین تاب آوری اجتماعی بیشتری هستند؛ اما تاب آوری نهادی-سازمانی در سطح تا حدی مطلوب قرار گرفته است. همچنین، بین ابعاد مختلف تاب آوری رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد.

سلیمی و نادری (۱۳۹۹) در مطالعه خود تجربه زنان زیسته در سرپل ذهاب را مورد بررسی قرار دادند. نتایج آنان نشان داد که در سرپل ذهاب زنان شرایط بسیار سختی را سپری می‌کنند. بی هویتی و عدم انطباق آنان با وضعیت پس از زلزله، سوءاستفاده‌های جنسی، اقدام به خودکشی، پایین آمدن سن اقدام به خودکشی، فویبای زلزله و پس از زلزله، تغییر ناگهانی سبک زندگی، فقدان آرامش، فقدان امکانات و توان مالی، وضعیت دشوار و نابسامانی کمی و کیفی مدارس، افزایش نزاع در خانواده، افزایش طلاق، افزایش خشونت سبب بروز نابسامانی اجتماعی، روانی و فرهنگی در این شهر شده است.

گیلارد^۱ طی مطالعه‌ای در سال (۲۰۰۷) با عنوان تاب آوری جوامع سنتی در برابر بلایای طبیعی، به این نتیجه رسیده که جوامع سنتی در مواجهه با بلایای طبیعی با استفاده از چهار بعد ماهیت خطر، میزان تاب آوری، ساختار فرهنگی و سیاست‌های مدیران می‌توانند در مواجهه با بلایا مقاومت نشان دهند.

در سال‌های اخیر، بیشتر پژوهش‌های مرتبط با مخاطرات و سوانح، پارادایم خود را از مدل کاهش تلفات و خسارت به مدل جامع‌تر مدیریت سانحه مبتنی بر سیستم‌های اجتماعی و رویکردهای حل مسئله اجتماعی تغییر داده‌اند. رویکرد معیشت پایدار به عنوان یکی از این پارادایم‌ها، به جای تأکید صرف بر روی کاهش خسارات، به

توانمندسازی جوامع محلی با هدف ایجاد جوامعی که قادر به تحمل و بازگشت از اثرات ناگوار رویدادهای مخاطره‌آمیز هستند، توجه می‌کند (مونچ و همکاران ۱، ۲۰۱۶).

به باور هاینزل^۲ (۲۰۰۹) افزایش آگاهی‌ها، افزایش دانش، ارتقای سطح مهارت‌ها، مشارکت و پررنگ شدن نقش مردم و رویکردهای مردم محور، افزایش توانمندی‌های نهادی و تقویت انسجام اجتماعی در حل چالش‌های فراروی زلزله به‌عنوان مؤلفه اصلی مطرح شده است.

در تحقیقی با عنوان به‌سوی شاخص انعطاف‌پذیری شهری که سوارز و همکاران^۳ (۲۰۱۶) انجام داده‌اند، به ارائه چارچوبی برای اندازه‌گیری تاب‌آوری شهری، تعریف شاخص‌های تاب‌آوری شهری و کاربرد آن در مراکز استانی اسپانیا به‌عنوان نمونه موردی پرداخته شده است. نتایج تحقیق نشان داد که اغلب شهرها از تاب‌آوری شهری فاصله دارند؛ بنابراین، برای رسیدن به تاب‌آوری شهری باید اقداماتی مانند کاهش مصرف منابع، ترویج تجارب محلی، ایجاد فضای مشارکت شهروندان و تنوع بخشیدن به اقتصاد محلی را در مکان‌های مورد مطالعه افزایش داد. در مجموع مطالعات صورت گرفته ذکر این نکته ضروری است که علیرغم بررسی میزان تاب‌آوری و عوامل مؤثر بر آن در بین جوامع محلی خلأ تحقیقاتی در خصوص عدم تاب‌آوری جوامع محلی در مقابل با زلزله نمایان می‌گردد و این مطالعه در پاسخ به این خلأ شکل گرفته است.

در زلزله ۲۱ آبان ماه ۱۳۹۶ استان کرمانشاه مشخص گردید مدیریت بحران نتوانست آن‌چنان‌که شایسته است بحران به وجود آمده را مدیریت نماید و زلزله‌زدگان هرروز با وسعت بیشتری از حوادث و مشکلات روبرو بودند. این مسئله در مطالعه الیاسی سرزلی (۱۳۹۸) به‌خوبی نشان داده شده است. ایشان در مطالعه خود به بررسی آسیب‌های روانی و اجتماعی زلزله سرپل ذهاب پرداختند. نتایج مطالعه وی نشان داد که استرس و ترس شدید (فویا)، شب‌هراسی، سقف‌هراسی، خشونت (به‌منزله آسیب روانی) و بی‌اعتمادی، رنج اجتماعی زنان، رایگان خواهی و مظلوم‌نمایی، و سرقت (به‌منزله آسیب اجتماعی)، که ناشی از موقعیت پس‌اززلزله هستند، به‌شدت رشد کرده است. مع‌الوصف آنچه جای سؤال دارد این مسئله است که چرا زلزله‌زدگان از تاب‌آوری مناسبی در مقابل زلزله برخوردار نبوده و خود بر این عدم تاب‌آوری نیز صحنه گذاشتند، لذا پژوهش حاضر در پی آن است که این خلأ تحقیقاتی را برطرف کند.

۲- روش تحقیق

این مطالعه در قالب رویکرد کیفی و به روش تئوری بنیانی انجام شده است. تئوری بنیانی یکی از روش‌های تحقیق کیفی مبتنی بر دیدگاه استقرایی است که بر اساس شرایط واقعی، ابعاد تشکیل دهنده یک مسئله را روشن می‌نماید

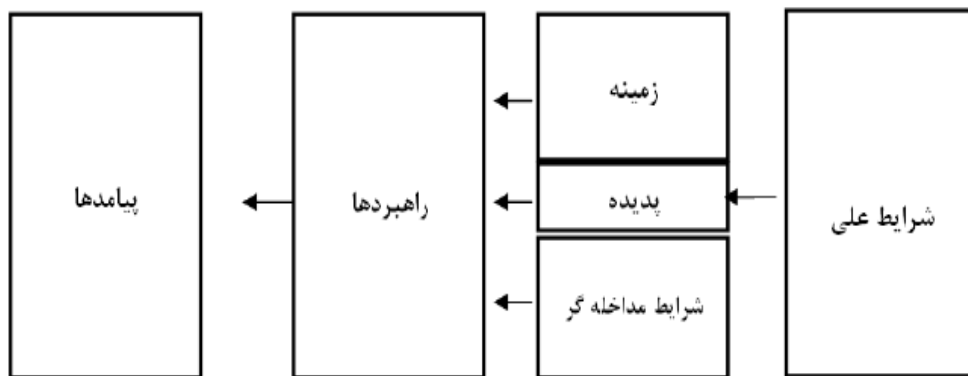
1 Moench et al

2 Hainzl

3 Suarez et al

(ادیب حاج باقری و همکاران، ۱۳۸۹). عمق مطالعه و کشف ابعاد مختلف با بهره‌گیری از نظر کنشگران اصلی و مهم‌تر از آن، ارائه الگو و مدل مبتنی بر شرایط واقعی موجب شد تا محققان در مطالعه حاضر از روش تئوری بنیانی بهره‌گیرند. جامعه مورد مطالعه، مطلعان کلیدی دهستان قلعه شاهین از توابع شهرستان سرپل ذهاب بودند که مطابق طبیعت تحقیق کیفی، به شیوه هدفمند انتخاب شد. در نمونه‌گیری هدفمند از نوع گلوله برفی، اصولاً هدف انتخاب مواردی است که با توجه به موضوع تحقیق در این پژوهش، اطلاعات بیشتری دارند و به نوعی افراد کلیدی محسوب می‌شوند. به منظور آشنایی با مطلعان کلیدی ابتدا به دهیار و اعضای شورا مراجعه گردید و هر یک از آن‌ها سایر خبرگان محلی (افرادی که صاحب نظر و حاضر به اشتراک اطلاعات بودند) را معرفی کردند. جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از تکنیک مصاحبه نیمه ساختاریافته انفرادی، گروه‌های متمرکز و یادداشت‌های میدانی صورت گرفت. جهت اعتبارسنجی یافته‌های تحقیق از روش‌های چندگانه در جمع‌آوری داده‌ها استفاده گردید. پس از انجام ۱۵ مصاحبه نیمه ساختاریافته، هر کدام به مدت حداقل یک ساعت، اشباع داده حاصل گردید. بدین ترتیب که پاسخ‌ها تکراری شد و مفاهیم جدیدی از سوی نمونه‌ها دریافت نگردید. پرسش اولیه پژوهش حاضر این بود که مردم محلی در مقابل با زلزله با چه مسائل روانی و اجتماعی مواجه شدند و ریشه این واکنش‌های منفی در چه بود، و چرا مردم محلی در برابر زلزله از تاب‌آوری لازم برخوردار نبودند آغاز گردید و به دنبال آن سؤالات بعدی شکل گردید. در پژوهش حاضر، پس از مرور داده‌ها، جملات در برگزیده عدم تاب‌آوری اجتماعی دهستان قلعه شاهین استخراج و مفاهیم مشابه با یک کد مشترک، کدبندی گردید. در کدگذاری محوری، ارتباط و پیوند میان مقوله‌ها کشف گردید. بدین ترتیب که پس از مقایسه طبقات حاصل از کدگذاری باز، طبقه عدم تاب‌آوری به عنوان طبقه محوری (پدیده در مدل پارادایمی) مشخص و در قالب مدل پارادایمی کدگذاری محوری انجام پذیرفت؛ مدل پارادایمی کدگذاری محوری (شکل ۱) شامل شرایط علی، پدیده، زمینه، شرایط میانجی مداخله‌گر، کنش یا راهبردها و پیامدها می‌باشد. شرایط علی، حوادثی هستند که به وقوع یا گسترش پدیده می‌انجامند که در این مطالعه، علل پایین بودن تاب‌آوری اجتماعی در دهستان قلعه شاهین را شامل می‌شود؛ ایده و فکر محوری نظیر عدم تاب‌آوری پدیده مورد نظر است؛ زمینه، شرایط و بستر وقوع پدیده می‌باشد که مصداق آن در این پژوهش، شرایط دهستان قلعه شاهین را شامل می‌شود که تاب‌آوری این دهستان تحت آن شرایط نمود پیدا کرده است؛ شرایط میانجی، راهبردها را درون زمینه خاصی سهولت می‌بخشند و یا آن را محدود می‌کنند؛ به عبارتی در دهستان قلعه شاهین شرایط مداخله‌گر منجر به عدم تاب‌آوری اجتماعی شده است؛ راهبردها مواردی هستند که موجب کنترل یا گسترش پدیده می‌شوند. در این پژوهش شامل مواردی است که روستاییان با به‌کارگیری آن‌ها موجبات افزایش تاب‌آوری اجتماعی را در دهستان قلعه شاهین فراهم ساخته‌اند؛ پیامد نیز نتیجه و حاصل استراتژی‌ها می‌باشد.

در کدگذاری انتخابی، ارتباط سایر طبقات با طبقه محوری شکل گرفت و مدل پارادایمیک عدم تاب‌آوری استخراج گردید که در شکل (۲) نشان داده شده است.



شکل ۱- مدل پارادایمی در تئوری بنیانی

۳- نتایج

در جدول (۱) نتایج اصل از فرایند کدگذاری باز، محوری و انتخابی نشان داده شده است.

جدول ۱- نتایج کدگذاری باز، محوری و انتخابی

مقوله	خرده مقوله‌ها	فراوانی	گزاره‌ها
شرایط علی	کمبود سرمایه اجتماعی	۱۲	مردم نسبت به همدیگر احساس مسئولیت نمی‌کنند و روابط حسنه نیست.
		۱۲	مردم با هم صادق نیستند و سعی در فریب هم دارند.
		۱۰	مردم به همدیگر کمک نمی‌کنند.
		۱۱	هرکسی به درد خودش گرفتار است.
		۸	هیچ رحم و دلسوزی در بین مردم نسبت به همدیگر وجود ندارد.
	وضعیت نامناسب اقتصادی	۱۱	اوضاع بد اقتصادی موجب بی‌رحمی به همدیگر شده است.
		۹	مردم از نظر معیشت در مضیقه‌اند و همین امر باعث شده هر کس به فکر خودش باشد.
		۶	کمک‌های مردم عادلانه توزیع نشد و مردم به وسایل نقلیه حامل کمک هجوم می‌آوردند.
		۵	در مواردی مشاهده گردید که خانه تخریب شده مورد آزار دزد قرار می‌گرفت و شبانه مورد سرقت واقع شدند.
	عدم آگاهی در خصوص زلزله	۶	برخی وقوع زلزله را به عذاب الهی و قهر خدا با مردم نسبت می‌دادند.
		۳	با بروز پس‌لرزه‌ها برخی از مردم ناامید از ادامه زندگی شدند.
	خسارت جانی و مالی	۵	برخی از مردم شبانه کابوس زلزله می‌بیند و از خواب بیدار و جیغ می‌کشند.
۵		هر چی وسیله و امکانات داشتیم در زلزله از بین رفت و رفت زیر آوار.	

مقوله	خرده مقوله‌ها	فراوانی	گزاره‌ها	
شرایط زمینه‌ای	اختلافات قومی و قبیله‌ای	۱	از فامیل ۱۰ نفر از یک خانواده فوت شدند.	
		۵	دیگه از نظر روحی روانی انگیزه‌ای برای ادامه زندگی نداریم.	
		۱۲	بعد از وقوع زلزله به علت آسیب‌های جدی روانی و اجتماعی نزاع و درگیری زیاد شده است.	
		۱۰	تشدید نزاع و درگیری موجب شده که همکاری و مساعدت به همدیگر از بین برود.	
	مشکلات روحی و روانی	۱۰	برخی از این شرایط به وجود آمده سود استفاده کرده و چنانچه با کسی اختلافی دارند سعی در تلافی دارند.	
		۸	وقتی کسی به کسی رحم نمی‌کند چگونه می‌توان انتظار داشت مردم آستانه تحمل بالایی داشته باشند.	
		۱۳	علاوه بر مشکلات اقتصادی زلزله و آسیب‌های آن موجب شده که مردم دچار آسیب‌های جدی روانی و اجتماعی شوند.	
		۱۱	بعضی‌ها با وقوع زلزله و پس‌از آن پس‌لرزه دچار وحشت شده‌اند.	
	عدم حمایت مناسب دولت	۱۰	بعضی‌ها ترجیح می‌دهند تا آخر عمر در کانکس یا چادر زندگی کنند و هیچ‌گاه به زیر سقف نروند و دچار سقف‌هراسی شده‌اند.	
		۱۰	ما هر لحظه که صدایی بلند می‌شنویم احساس می‌کنیم زلزله آمده و سریع فرار می‌کنیم	
		۱۴	کمک‌های دولتی و مردمی عادلانه توزیع نشد.	
		۱۰	وام‌های اختصاص‌یافته به واحدهای تخریبی و تعمیری متناسب با میزان خسارت نیست.	
	عدم دسترسی به امکانات و تجهیزات	۵	بعضی بیشتر از حمایت برخوردارند.	
		۸	چون تا حالا به این شدت تجربه زلزله نداشتیم از نظر امکانات ضروری دچار کمبود بودیم.	
۷		در روزهای اولیه زلزله کمبود امکانات بیش‌ازحد اذیت‌مان کرد.		
مداخله‌گر	رواج گداپرووری	۳	اصلاً پیش‌بینی نکرده بودیم زمانی چنین حادثه‌ای اتفاق بیفته که بخواهیم تجهیزات مورد نیاز را فراهم کنیم.	
		۹	برخی برای دسترسی به کمک‌های جمع‌آوری شده دست به هر کاری می‌زنند.	
		۸	برخی از این شرایط سود استفاده کردند و به‌نوعی گدایی کردند.	
		۹	در مواردی مشاهده شد که افرادی به‌دروغ تظاهر به فقیر بودن کردند.	
	شکستن کرامت انسان‌ها	۱۰	برای به دست آوردن کمک‌های بیشتر به ماشین‌های حامل کمک هجوم می‌بردند.	
		۱۲	برخی با حرکات ناشایست در هنگام جمع‌آوری کمک عزت‌نفس خود را زیر سؤال می‌برند.	
	شایعه‌پراکنی در خصوص زمان وقوع زلزله	۱۰	بعضی‌ها سعی در تخریب دیگران دارند.	
		۷	هرروز یک شایعه در خصوص زمان وقوع زلزله منتشر می‌کنند و با اعصاب و روان مردم بازی می‌کنند.	
	راهبرد	خشونت علیه همشهریان	۱۲	بارها بر سر مسائلی از قبیل جمع‌آوری کمک باهم درگیر شده‌اند.
		مهاجرت	۸	در این منطقه چندین خانوار به کرمانشاه و شهرهای اطراف مهاجرت کردند.
	ترک تحصیل	۸	برخی از دانش‌آموزان به علت فوت والدین یا اعضای خانواده تصمیم به ترک تحصیل	

مقوله	خرده مقوله‌ها	فراوانی	گزاره‌ها
			گرفتند.
	خودکشی	۲	تا حالا چندین مورد خودکشی ناموفق در این منطقه صورت گرفته است.
	افسردگی	۶	اگر نگاهی به روحیه مردم بنمازین متوجه خواهید شد که افسردگی بعد زلزله گریبان مردم شده است.
۳ ۳	مشکلات خانوادگی	۱۰	بعد از زلزله خیلی عصبی شدیم، همیشه ناراحتیم، همه چیزمان را از دست دادیم.
		۸	همیشه حالت عصبانی داریم و با کوچک‌ترین مشکلی از کوره درمی‌رویم.
		۹	پرخاشگری در بین مردم زیاد شده است و این مسئله به داخل خانواده‌ها کشیده شده است.
	مشکلات بهداشتی	۱۴	چندین هفته استحمام نکردیم و شرایط اسفناکی را تحمل کردیم.
		۱۰	از نظر سرویس بهداشتی که شرایط خیلی وخیم بود.
	مشکلات حاد روانی	۱۲	درگیری و نزاع بیش‌ازحد تشدید شده است.
	از بین رفتن انگیزه و فرهنگ کار	۸	برخی ترجیح می‌دهند وقت خود را صرف جمع‌آوری کمک‌های مردمی نمایند و کار نمی‌کنند.
	خشونت علیه زنان و کودکان	۵	با توجه به شرایط حاد روانی پرخاشگری تشدید شده و زنان و کودکان بیشتر در معرض هستند.
از بین رفتن حریم شخصی	۹	به علت نزدیکی کانکس و چادرهای اسکان حریم خصوصی معنایی نداشت.	

۳-۱- شرایط علی مربوط به پدیده عدم تاب‌آوری در مقابل زلزله

به‌زعم شرکت‌کنندگان در پژوهش شرایط علی که موجب عدم تاب‌آوری اهالی شهرستان سرپل ذهاب در مقابل با زلزله شده است، «کمبود سرمایه اجتماعی»، «وضعیت نامناسب اقتصادی»، «عدم آگاهی در خصوص زلزله» و «خسارت جانی و مالی» ناشی از زلزله می‌باشد.

«کمبود سرمایه اجتماعی» از جمله عواملی بود که به‌زعم پاسخگویان، عامل مؤثری در عدم تاب‌آوری شهروندان سرپل ذهاب محسوب می‌شود. پاسخگویان معتقد بودند چون مردم آسیب‌دیده از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردار نبودند بنابراین بعد از وقوع زلزله تاب‌توان بالایی در مقابل زلزله نتوانستند از خود نشان دهند.

«وضعیت نامناسب مالی» از دیگر عواملی بود که به‌زعم مشارکت‌کنندگان در تحقیق، عامل مهمی در بروز پدیده عدم تاب‌آوری می‌باشد. شرکت‌کنندگان در تحقیق معتقد بودند چون اکثریت شهروندان سرپل ذهاب بنیه مالی کافی ندارند، بنابراین نمی‌توانند پاسخگوی خسارات مالی وارده باشند و همین امر منجر به کاهش تاب‌آوری آنان شده است.

«عدم آگاهی در خصوص زلزله» نیز یکی دیگر از عواملی بود که مشارکت‌کنندگان در تحقیق بر آن تأکید داشتند. برخی از شرکت‌کنندگان معتقد بودند که از آنجایی تاکنون با این پدیده شدید مواجه نگردیده و تجربه‌ای در این زمینه

نداشتند، لذا از تاب‌وتوان بالایی نیز برخوردار نبودند. از سویی عدم انتظار از چنین بحرانی موجب سردرگمی و مشکلات روحی و روانی نیز گردیده است.

«خسارت جانی و مالی» از عواملی بود که مشارکت‌کنندگان در تحقیق بر آن تأکید بسیاری داشتند. شرکت‌کنندگان معتقد بودند که تاکنون با این سطح خسارت جانی و مالی بالا مواجه نگردیده و تجربه چنین آسیبی را نداشتند، لذا از تاب‌وتوان بالایی نیز برخوردار نبودند.

۳-۲- شرایط زمینه‌ای مربوط به پدیده عدم تاب‌آوری در مقابل زلزله

عوامل زمینه‌ای به آن دسته از عواملی گفته می‌شود که بستری‌های مادی و غیرمادی را برای عدم تاب‌آوری در جامعه مذکور فراهم و از طرفی بر استراتژی‌ها و کنش‌های آنان نیز تأثیرگذار می‌باشد؛ بنابراین بروز پدیده‌ای به نام "عدم تاب‌آوری" نه در خلأ بلکه در شرایط خاص محیطی خود رخ می‌دهد. اختلافات قومی و قبیله‌ای، مشکلات روحی و روانی، عدم حمایت مناسب دولت و عدم دسترسی به امکانات و تجهیزات مناسب از عوامل زمینه‌ای مؤثر در عدم تاب‌آوری شهروندان سرپل ذهاب در مقابل زلزله شده است.

«اختلافات قومی و قبیله‌ای» یکی از عوامل زمینه‌ای مؤثر در عدم تاب‌آوری شهروندان سرپل ذهاب در مقابل زلزله می‌باشد. شرکت‌کنندگان در پژوهش معتقد بودند که وجود اختلافات قومی و قبیله‌ای بر مشکلات موجود افزوده و منجر به درگیری و نزاع شده است.

«عدم حمایت مناسب دولت» یکی دیگر از عوامل زمینه‌ای در بروز عدم تاب‌آوری زلزله‌زدگان در مقابل زلزله بود. برخی از شرکت‌کنندگان در پژوهش اذعان داشتند که علیرغم مرزی بودن شهرستان‌های زلزله‌زده، دولت از این شهرستان‌ها حمایت چندانی در همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی و ... نمی‌نماید و همین امر موجب گردیده شهروندان زلزله‌زده در مقابل زلزله از تاب‌آوری بالایی برخوردار نباشند.

«عدم دسترسی به تجهیزات مناسب» یکی دیگر از عوامل زمینه‌ای مؤثر در بروز عدم تاب‌آوری می‌باشد. برخی از شرکت‌کنندگان در پژوهش بیان داشتند چون امکانات و تجهیزات در حد کافی و مناسب وجود نداشت و نبود این تجهیزات در زمان زلزله به موضوعی بگرنج تبدیل شده بود، همه این عوامل موجب کاهش تاب‌آوری شده است.

«مشکلات روحی - روانی» نیز یکی از عوامل زمینه‌ای می‌باشد که شرکت‌کنندگان در پژوهش بر آن تأکید داشتند. برخی از مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که مشکلات روحی - روانی ناشی از فشار اقتصادی و مشکلات اجتماعی جامعه موجب کاهش تاب‌آوری زلزله‌زدگان در مقابل زلزله شده است.

۳-۳- شرایط مداخله‌گر مربوط به پدیده عدم تاب‌آوری در مقابل زلزله

درحالی‌که عوامل زمینه‌ای بر موجبات هم‌بافت و بی‌واسطه در پدیده "عدم تاب‌آوری" دلالت می‌کنند، عوامل مداخله‌گر عاملیت‌ها و کنش‌های مؤثر و با واسطه در پدیده مذکور را تشکیل می‌دهند. گرچه پدیده "عدم تاب‌آوری"

متأثر از عوامل علی، زمینه‌ای و راهبردهای خاص است ولی در این اثنا نقش عاملیت‌های انسانی و کنشگران را نباید نادیده گرفت. آن‌ها با مداخلات خود می‌توانند فرآیندها را تسهیل کنند. در واقع، عاملیت‌ها و کنشگران به‌عنوان کارگشایان و میانجی‌های تغییر عمل می‌کنند. رواج گداپروزی، شکستن کرامت انسان‌ها، شایعه‌پراکنی در خصوص زمان وقوع زلزله، خشونت علیه همشهریان به‌عنوان عواملی است که از سوی جامعه مورد مطالعه به‌عنوان کاتالیزور عدم تاب‌آوری زلزله‌زدگان در مقابل زلزله بیان گشته است.

۳-۴- پدیده

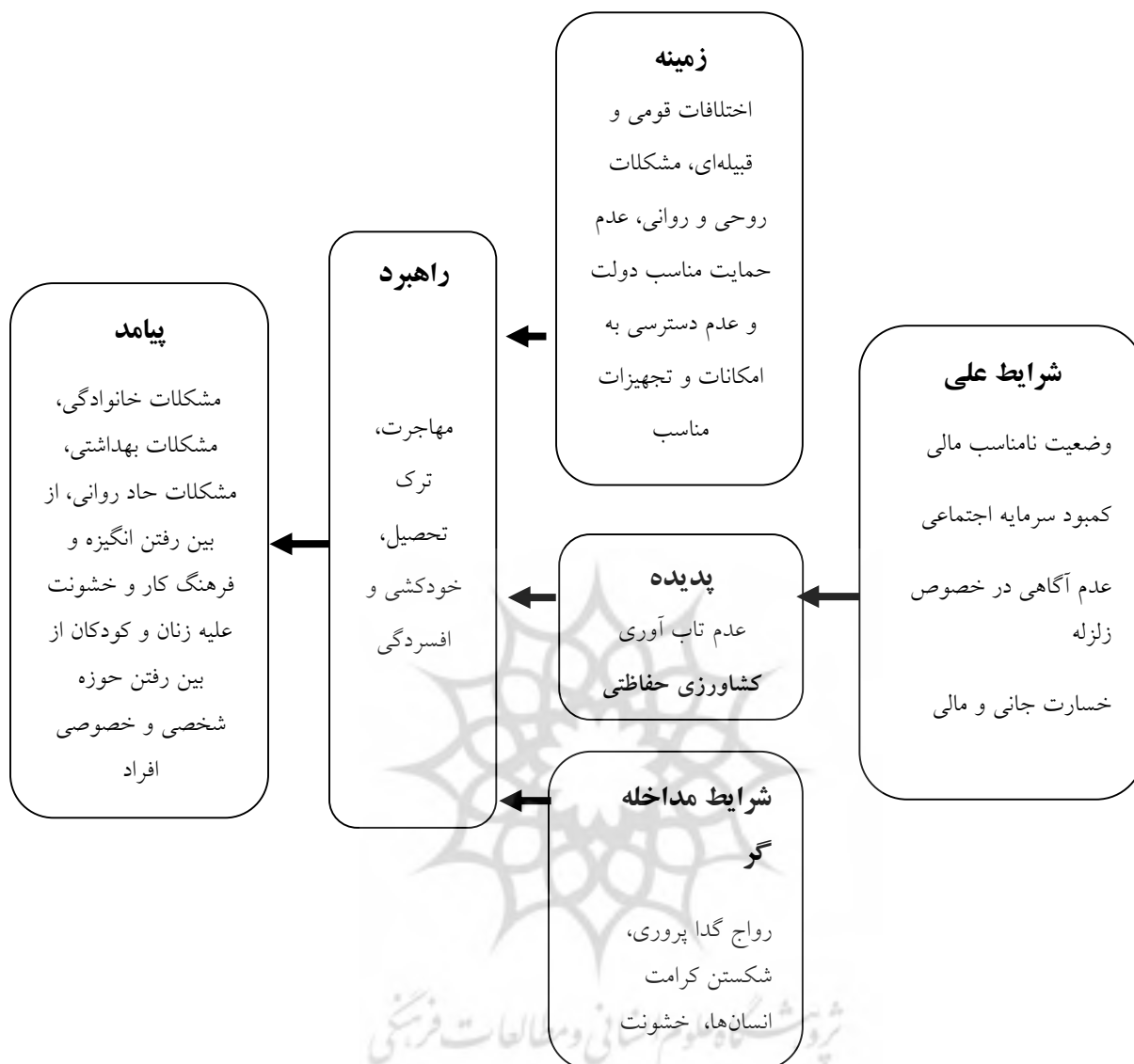
«عدم تاب‌آوری زلزله‌زدگان در مقابل زلزله» پدیده مورد بررسی می‌باشد.

۳-۵- راهبردهای مربوط به پدیده عدم تاب‌آوری در مقابل زلزله

راهبردها در اصل کنش و واکنش جامعه مورد مطالعه نسبت به پدیده مورد نظر می‌باشد. بر اساس اظهارات شرکت‌کنندگان در پژوهش مشخص گردید، مهاجرت، ترک تحصیل، خودکشی و افسردگی جمله راهبردهای مربوط به عدم تاب‌آوری زلزله‌زدگان در مقابل با زلزله می‌باشد.

۳-۶- برون‌دادها و پیامدها مربوط به پدیده عدم تاب‌آوری در مقابل زلزله

پیامدها در اصل به عواقب ناشی از به‌کارگیری راهبردهای مربوط به عدم تاب‌آوری در مقابل زلزله می‌پردازد. مشکلات خانوادگی، مشکلات بهداشتی، مشکلات حاد روانی، از بین رفتن انگیزه و فرهنگ کار و خشونت علیه زنان و کودکان از بین رفتن حریم شخصی و خصوصی افراد از پیامدهای ناشی از عدم تاب‌آوری زلزله‌زدگان در مقابل زلزله می‌باشد.



شکل ۲- مدل‌سازی پدیده عدم تاب‌آوری زلزله‌زدگان استان کرمانشاه

۴- بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

موضوع تاب‌آوری در مقابل بلایای طبیعی یکی از موضوعات مهم در مدیریت بلایا می‌باشد که همواره برنامه‌ریزان باید مدنظر داشته باشند. بی‌شک مجموعه‌ای از عوامل در عدم تاب‌آوری جوامع نقش دارند که ریشه‌یابی این موضوع امری مهم است. زلزله استان کرمانشاه که در تاریخ ۲۱ آبان ماه ۱۳۹۶ اتفاق افتاد پیامدهای ناگواری به دنبال داشت و این امر موجب گردید که جامعه زلزله‌زده آمادگی و برنامه‌ریزی لازم را برای مقابله با چنین حادثه‌ای از خود نشان ندهد. بر اساس یافته‌های پژوهش مشخص گردید فقر اقتصادی، کمبود سرمایه اجتماعی، عدم آگاهی از زلزله و

خسارات جانی و مالی ناشی از زلزله از جمله عوامل مؤثر در بروز پدیده عدم تاب‌آوری زلزله‌زدگان در مقابل زلزله شده است. در بین عوامل یاد شده فراوانی اظهارات بیان شده نشان داد که فقر اقتصادی و کمبود سرمایه اجتماعی نقش مؤثرتری در این زمینه داشته است. نتایج فوق با یافته‌های رومیانی و همکاران (۱۳۹۳) و نوری و سپهوند (۱۳۹۵) همخوانی دارد. رومیانی و همکاران (۱۳۹۳) بیان داشتند که ضعف در ظرفیت‌ها و توانمندی‌های اقتصادی و به تبع آن، پایین بودن درآمد روستاییان منطقه مورد مطالعه، منجر به کاهش توانایی‌های آن‌ها برای مقاوم‌سازی مسکن در زیستگاه‌های خود شده است. همچنین نتایج مطالعه نوری و سپهوند (۱۳۹۵) حاکی از آن بود که در بین ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیرساختی و سرمایه اجتماعی نواحی روستایی بعد سرمایه اجتماعی سهم و تأثیر بیشتری در میزان تاب‌آوری سکونتگاه‌های روستایی ایفا می‌کند.

بنابر یافته‌های پژوهش مهاجرت، ترک تحصیل و افسردگی و خودکشی از پیامدهای عمده عدم تاب‌آوری زلزله‌زدگان در مقابل زلزله می‌باشد. نتایج این مطالعه با یافته‌های سلیمی و نادری (۱۳۹۹) مطابقت دارد. نتایج آنان نشان داد که در سرپل ذهاب زنان شرایط بسیار سختی را سپری می‌کنند. بی‌هویتی و عدم انطباق آنان با وضعیت پس از زلزله، سوءاستفاده‌های جنسی، اقدام به خودکشی، پایین آمدن سن اقدام به خودکشی، فویبای زلزله و پس‌اززلزله، تغییر ناگهانی سبک زندگی، فقدان آرامش، فقدان امکانات و توان مالی، وضعیت دشوار و نابسامانی کمی و کیفی مدارس، افزایش نزاع در خانواده، افزایش طلاق، افزایش خشونت سبب بروز نابسامانی اجتماعی، روانی و فرهنگی در این شهر شده است. از این پیامدهای عنوان شده به‌سادگی نمی‌توان عبور کرد، چراکه هرکدام به‌نوبه خود گویای نتایج اسفناک و وحشتناکی هستند که به‌راحتی قابل کنترل نیستند و نمی‌توان عواقب بعدی آن را نیز پیش‌بینی کرد، بنابراین توصیه می‌گردد که گروه‌های روانشناسی در این زمینه ورود جدی پیدا کرده و با ایجاد فضای صمیمانه و پرنشاط و برگزاری دوره‌های آموزشی به کاهش آثار این پیامدها کمک نمایند.

رواج فرهنگ گداپروری، رواج خشونت، مشکلات روحی-روانی، مشکلات بهداشتی و ... از عوامل مؤثر در عدم تاب‌آوری زلزله‌زدگان در مقابل زلزله می‌باشد، بنابراین برنامه‌ریزان به‌منظور افزایش تاب‌آوری زلزله‌زدگان همه موارد فوق را مدنظر داده و در جهت رفع آن‌ها گام‌های عملیاتی بردارند. در این خصوص پیشنهاد می‌گردد که فارغ از بحث به‌کارگیری روانشناسان خبره جهت آموزش‌های مورد نیاز زلزله‌زدگان، با ایجاد و ساخت اماکن بهداشتی و تجهیز این اماکن به وسایل مورد نیاز از شدت این مشکلات و آلام روحی و روانی بکاهند.

بر اساس یافته‌های پژوهش وجود اختلافات قومی و قبیله‌ای یکی از عوامل زمینه‌ای مؤثر در بروز عدم تاب‌آوری زلزله‌زدگان در مقابل زلزله شده است؛ بنابراین در این راستا پیشنهاد می‌گردد که مسئولین با استفاده از نفوذ رهبران محلی و خیرین بومی نسبت به ایجاد حس صمیمیت و همدلی اقدام نموده، تا از این باب برادری و همبستگی در بین زلزله‌زدگان بالا رفته و منجر به افزایش سرمایه اجتماعی و درنهایت کاهش عدم تاب‌آوری گردد.

کتابنامه

- ادیب حاج باقری، محسن؛ پرویز، سرور؛ صلصالی، مهوش؛ ۱۳۸۹. روش‌های تحقیق کیفی. انتشارات بشری. چاپ دوم.
- برقی، حمید، هاشمی، صدیقه؛ جعفری، نسرین؛ ۱۳۹۶. سنجش تاب‌آوری محیطی روستاهای در معرض خطر زلزله (مطالعه موردی: دهستان معجزات در شهرستان زنجان). مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی. ۶ (۱): ۹۷-۸۱.
- پرتوی، پروین؛ بهزادفر، مصطفی؛ شیرانی، زهرا؛ ۱۳۹۵. طراحی شهری و تاب‌آوری اجتماعی بررسی موردی: محله جلفا اصفهان. دو فصلنامه دانشگاه هنر، نامه معماری و شهرسازی. (۱۷): ۹۹-۱۱۶.
- رضایی، محمدرضا؛ رفیعیان، مجتبی؛ حسینی، سیدمجتبی؛ ۱۳۹۴. سنجش و ارزیابی میزان تاب‌آوری کالبدی اجتماع-های شهری در برابر زلزله (مطالعه موردی: محله‌های شهر تهران). پژوهش‌های جغرافیای انسانی. (۹۴): ۶۲۳-۶۰۹.
- رضوانی، محمدرضا، ۱۳۸۳. مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران. تهران: نشر قومس.
- رفیعیان، مجتبی؛ مطهری، زینب السادات؛ ۱۳۹۱. طراحی مدلی برای مطالعه رویکرد مدیریت ریسک بحران اجتماع‌محور مطالعه موردی طرح دوام (داوطلبین واکنش اضطراری محلات). فصلنامه مدیریت بحران. (۱): ۱۲-۵.
- رومیانی، احمد؛ عینالی، جمشید؛ صالحی میثانی، حیدر؛ ۱۳۹۳. نقش مدیریت در توسعه جوامع روستایی برای مقابله با مخاطرات زلزله (مطالعه موردی: دهستان زاغه شهرستان خرم‌آباد). مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی. ۳ (۸): ۹۳-۱۰۶.
- زرنگار، حمیدرضا؛ رحیمی، عباس؛ ۱۳۸۸. ارزیابی مشارکتی مدیریت فاجعه در روستاهای زلزله زده بم (مطالعه موردی: روستای درب باغ). فصلنامه علوم اجتماعی. ۱۳ (۵۰): ۹۲-۱۲۸.
- سلمانی مقدم، محمد؛ امیراحمدی، ابوالقاسم؛ کاویان، فرزانه؛ ۱۳۹۳. کاربرد برنامه‌ریزی کاربری اراضی در افزایش تاب‌آوری شهری در برابر زمین‌لرزه با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS). مطالعه موردی: شهر سبزوار. مطالعات جغرافیایی مناطق خشک. (۱۷): ۱۷-۳۴.
- سلیمی، مینو؛ نادری، احمد؛ ۱۳۹۹. مطالعه تجربه زیسته زنان سرپل ذهاب در زلزله، فصلنامه علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی. ۲۷ (۸۸): ۲۱۷-۲۵۲.
- فلاحی، علیرضا؛ شهبازی، مرضیه؛ ۱۳۹۰. بررسی نقش تشکلهای جامعه‌محور در برنامه مقابله و بازسازی در برابر زلزله احتمالی تهران، مورد مطالعاتی «محله اوین». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه پژوهشی بازسازی پس از سانحه، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی.
- محمدی احمدیانی، جمال؛ صحرائیان، زهرا؛ خسروی، فرامرز؛ ۱۳۸۹. نقش عوامل مؤثر در آسیب‌پذیری کالبدی شهر جهرم در برابر زلزله. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی. (۱۷): ۱۴۳-۱۲۱.
- نوری، سیدهدایت‌الله، سپهوند، فرخنده؛ ۱۳۹۵. تحلیل تاب‌آوری سکونتگاه‌های روستایی در برابر مخاطرات طبیعی با تأکید بر زلزله (مورد مطالعه: دهستان شیروان شهرستان بروجرد). پژوهش‌های روستایی. (۲): ۲۸۵-۲۷۲.

الیاسی سرزلی، فاضل؛ ۱۳۹۸. بررسی آسیب‌های روانی- اجتماعی بعد از زلزله تحلیل موردی: زلزله سرپل ذهاب در سال ۱۳۹۶. *مجله مطالعات اجتماعی ایران*. ۱۳(۲): ۲۸-۵.

- Bernier, Q., & Meinzen-Dick, R., 2014. Building resilience for food and nutrition, Resilience and social capital, IFPRI (International Food Policy Research Institute) and 2020 Vision.
- Cinner, J.; Fuentes, M. M. P. B. and Randriamahazo, H., 2009. "Exploring social resilience in Madagascar's marine protected areas", In: *Ecology and Society* 14(1), 41. [http:// www.ecologyandsociety org/ vol14/iss1/art41/](http://www.ecologyandsociety.org/vol14/iss1/art41/).
- Cohen, L., Manion, L., & Morrison, K., 2000. *Research Methods in Education*. Fifth Edition, RoutledgeFalmer Publication.
- Colburn, L., & Seara, T., 2011. Resilience, vulnerability, adaptive capacity, and social capital, 2nd National Social Indicators Workshop, NOAA FISHERIES SERVICE.
- Debertin, D. L., & Goetz, S. J., 2013. Social Capital Formation in Rural, Urban and Suburban Communities, *Journal of Economic Literature* R58 Regional Development Policy, University of Kentucky Staff Paper 474.
- Gaillard, J. C., 2007. Resilience of traditional societies in facing natural hazards. *Disaster Prevention and Management: An International Journal*, 16(4), 522-544.
- Hainzl, S. 2012. Earthquake triggering and interaction, University of Potsdam. Retrieved from: https://publishup.unipotsdam.de/files/4766/hainzl_habil.pdf.
- Kamani-fard, A., Hamdan Ahmad, M. & Remaz Ossen, D., 2012. The sense of place in the new homes of post-Bam earthquake reconstruction. *International Journal of Disaster Resilience in the Built Environment*, 3, 220-236. Retrieved from: <http://www.emeraldinsight.com/doi/abs/10.1108/17595901211263611>.
- Kapucu. Naim, V. Hawkins. Christopher, I. Rivera. Fernando., 2013. Disaster Preparedness and Resilience for Rural Communities, *Risk, Hazards & Crisis in Public Policy*, Vol. 4, No. 4.
- Keck, M., & Sakdapolrak, P., 2013. "What is social resilience? Lessons learned and ways forward," *ERDKUNDE: Scientific Geography*, 67(1): 5-19.
- Manyena, S. B., O'brien, G., O'keefe, P. & Rose, J., 2011. Disaster resilience: a bounce back or bounce forward ability. *Local Environment*, 16, 417-424. Retrieved from: [http:// www.tandfonline.com/ doi/abs/10.1080/13549839.2011.583049?journalCode=cloe20](http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/13549839.2011.583049?journalCode=cloe20).
- Moench, M., Ahmed, S., Mustafa, D., Khan, F., Reinhard, M., Daniel, K., & Pharoah, R., 2016. Protecting development gains: Gains: Reducing Disaster Vulnerability and Building Resilience in Asia and the Pacific. *Statistics (NY)*, 2010(17), 2003-2009.
- Radloff, K., 2004. Community resilience, community economic development and Saskatchewan economic developers, Community University Institute for Social Research.
- Schouten, M. A., van der Heide, M. M., & Heijman, W. J., 2009. Resilience of social-ecological systems in European rural areas: theory and prospects, 113th eaae seminar "the role of knowledge, innovation and human capital in multifunctional agriculture and territorial rural development", Belgrade, Republic of Serbia, December 9-11, 2009.
- Straus, A., & Corbin, J., 1998. *Basic of qualitative research: techniques and procedures for developing grounded theory*. 2nd ED. Sage Publications, Thousand Oaks, California.
- Suarez, M.; Baggethun, E. G.; Benayas, J.; Tilbury, U., 2016. Towards an Urban Resilience Index: A Case Study in 50 Spanish Cities. *Sustainability* 2016, 8, 774. Doi: 10.3390/su8080774. From www.mdpi.com/journal/sustainability.